

ادامه از صفحه اول

اختلال هویتی و نهادهای توسع‌ای

از «تخریب خلق» شومیتز در روایت او از نوآوری خبری نیست و تخریب دانمی سازه‌های شکسته‌بسته در جریان تبدیادهای سیاسی به الگوی حیات اقتصادی تبدیل می‌شود. «سیاست‌گذاری» اقتصادی نوعی بده‌بستان است و نه تصمیم‌گیری به‌معنای محاسبات عقلانی اقتصادی. کوبی که بر سر میز بازی «پوکر» یا در تالار مزایده و مناقصه‌اید. ماهیت فعالیت اقتصادی بیشتر بده‌بستانی از جنس مناسبات قدرت سیاسی است و همه اینها در تکاپوی تبدیل‌شدن به طبقه اقتصادی- سیاسی رخ می‌دهد. هویت‌های اجتماعی و تشخصی‌های فرهنگی نیز در پی آن بر ساخته می‌شود. فرایند سیاست‌گذاری چرخه‌ای متشکل از حلقه‌ها و زنجیره‌های گوناگون است. در جوامع کوتاه‌مدت اما فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی وجود ندارد بلکه تک حلقه‌ای است؛ حلقه‌های یک‌بام‌بمصرف قدرت. چون فاقد نهادها و سازوکارهای کارشناسی دولتی یا حکمرانی شرکتی اند. در چنین وضعیتی اگر فساد رخ ندهد، عجیب است؛ به‌ویژه آنکه همواره دهان‌هایی گرسنه به نان و زبان‌هایی تشنه به قدرت باز باشد. در مجموع، هنوز نیروهای نظامی در ایران خوش‌نام‌اند و پناهگاه اصلی ملت برای روزهای حادثه‌اند. حیثیت و اعتبار آنها باید حفظ شود. فعالیت‌های اقتصادی معمولاً در خطر فساد هستند، اگر این فساد در بخش خصوصی رخ دهد، شاید ضرری به امنیت ملی نمی‌زند اما اگر در بخش نظامی و امنیتی چنین پدیده‌ای رخ دهد، مستقیماً حیثیت و اعتبار آنها مخدوش می‌شود و این برای امنیت ملی خطرناک است. رهبری ضمن حمایت بی‌بدیل از نیروهای نظامی در چنین نترمز این جریان‌ات را کنشیده است. استدلال بسیار ساده و روشن است. وظیفه و شأن نیروهای نظامی ورود به این حوزه‌ها نیست؛ حتی اگر دیگران این حوزه‌ها را به فساد بکشند، حتی اگر دیگران پس از سال‌ها از تولید خودروی باکیفیت ناتوان باشند، حتی اگر دیگران تورم‌های درازمدت بر ملت تحمیل کنند، حتی اگر دیگران بورس را به عرصه ورشکستگی همگان تبدیل کنند و… شرافت آنان به نظامی بودن آنان است، دل‌های مردمان به آنان آرامش می‌یابد. ارج‌وقرب شهید قاسم سلیمانی در تاریخ ایران همچنان مثال‌زدنی است و ملت عمیقاً این را می‌فهمد و می‌داند که خاک‌پاشی بیگانگان بر آفتاب این آسمان بی‌هوده است. جالب است که اصلی‌ترین کارکرد او نظامی بوده است. او نه تلاش کرد خود را «دکتر» بنامد و نه «اقتصاددان» یا «سیاست‌مدار» او «سرباز وطن» بود و همین برای او شرافت و بزرگی آورد. شرافت و اعتبار نظامیان به نجات اقتصادی کشور یا به ساخت و تولید خودرو یا سد و بزرگراه و تونل نیست، آنان نه «زوررو هستند و نه «این‌ها هود» نه «جف بروس» و نه «جک ما». چه ضرورتی دارد که یک «سردار» یا یک «امیر» حتماً دکتر یا کارآفرین یا مدیر اقتصادی یا مدیر برجسته اجرائی باشد؟ اینها همه شأنیه تکاپو برای دستیابی به هویت‌های جدید اجتماعی و تشخص‌های فرهنگی است که در پی تبدیل آنان به یک طبقه اقتصادی متمایز پیش می‌آید. همچنان‌که یک استاد دانشگاه نباید در تکاپوی عنوان جدیدی برای خود باشد. فخر و غرور نظامی، آن‌چنان باید برجسته شود که نیازی به هیچ‌یک از این عناوین نداشته باشند. از همه نیروها‌عم از لشکری و کسوری دعوت کنیم که به فعالیت‌های خود از منظر توسعه درآمدت کشور بیندیشند. در این معنا تامل کنند که آیا فعالیت‌های «لسوززانه» یا «جاه‌طلبانه» ایشان نهادهای توسعه را تخریب می‌کند یا خیر؟ بخشی‌نگری و «بکسوکشی» توسط هر صنفی می‌تواند هم برای خودشان و هم کشور سمی مهلک باشد. گمان نکنند که هرکسی به نحوه فعالیت‌های اقتصادی آنان نقد وارد می‌کند، عمل فلان و بهمان است. چنین رویکردی آنها را ناتوان از دیدن حقایق می‌کند. شما با حضور بی‌حساب‌و‌کتاب در فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی، کشاورزی، علمی، فرهنگی، رسانه‌ای، صنعتی، داروسازی و… به یک طبقه اقتصادی تبدیل می‌شوید و دیگر «حال» پرداختن به امور و وظایف اصلی خود را نخواهید داشت. حتماً باید رهبری وارد شود تا گروه‌ا از فعالیت‌های اقتصادی و بانکی کنار بکشند؟ اینها اموری کارشناسی است که ورود بی‌ضابطه به آنها حیثیت هر کوهی را بر باد می‌دهد. چه رسد به کسانی که تخصصی در این حوزه‌ها ندارند و دچار خودبزرگبینی مدیریتی هستند.

به بهانه قتل ناموسی اخیر اهواز

...برابراین چنین ادعایی بدون توجه به زمینه‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای و تعصبات اجتماعی و فرهنگی با استفاده ابزاری از مسائل قومی و زبانی، آورده دیگری برای فهم عمیق‌تر از علل ظهور و بروز قتل‌های ناموسی عرضه نمی‌کند. بخشی از واکنش‌های انتقادی صورت‌گرفته به یادداشت منتشرشده در روزنامه «شرق» نیز از این منظر صورت گرفته‌د. درحالی‌که روزنامه «شرق» در سال‌های گذشته با مسئولیت‌پذیری ملی واکنش‌های مناسبی درباره پدیده‌های مشابه نشان داده و در حوزه مباحث مرتبط با انسجام ملی و همبستگی ملی نیز کارنامه قابل دفاعی دارد.

۳- گورستان میوان در سلیمانیه یکی از نمادهای قتل‌های ناموسی در جهان امروز است. گورستانی که بخش بزرگی از گورهای آن تنها با یک شماره مشخص شده است. از میان چند هزار گور این گورستان بخش عمده‌ای از آن ویژه متوفیانی است که به بهانه‌های ناموسی در قلم‌رگ‌دستان عراق کشته شده‌اند.

ادامه در صفحه ۴

مهرشاد ایمانی: برجام روحانی یا برجام رئیسی؟ این

پرشیسی است که غالب نیروهای رادیکال اصولگرا مطرح می‌کنند و می‌گویند در پی ساختن این دوگانه، ضمن متفاوت‌نشان‌دادن مذاکرات در دولت سید ابراهیم رئیسی، با هرچه توان در اختیار دارند رقبای سیاسی خود را تحت فشار قرار دهند؛ آخرین این حملات را می‌توان در گفت‌وگوی اخیر سیدمحمود نوبیان، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و از اعضای جبهه پایداری، با خبرگزاری «مهر» یافت آن هم درحالی‌که دولت روحانی نزدیک به شش ماه است کنار رفته و مذاکرات هسته‌ای هم با تیم دولت جدید در دست انجام است. آیا حمله به ظریف ربطی به سمت‌وسوی مذاکرات اخیر دارد؟ نوبیان بار دیگر همان حملات تکراری را به ظریف و روحانی انجام داده و گفته است: «متأسفانه در دولت قبل، حسن روحانی و محمدجواد ظریف در همان ابتدای مذاکرات اعلام کردند که خزانه کشور خالی است و به همین علت دشمنان جمهوری اسلامی ایران به این فکر افتادند که پشت سر هم از ایران امتیاز بگیرند اما دولت حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی و تیم جدید مذاکره‌کننده ایران بر این مبنا در مذاکرات وین حاضر نشدند… ما نباید به مذاکرات فقط برای انتخابات نیاز داشته باشیم و به هر قیمتی به دنبال آن باشیم که مذاکرات به نتیجه برسد. محمدجواد ظریف در انتهای دولت یازدهم و در آستانه انتخابات برای تعیین دولت دوازدهم گفته بود که هرگونه توافق بهتر از توافق نکردن است؛ اما دولت درحال حاضر به‌دنبال این مسائل نیست، بلکه به‌دنبال تحقق منافع ملت ایران است… نکته بعدی این است که ما در مذاکرات به‌هیچ‌وجه از خطوط قرمز عبور نخواهیم کرد. مسئله حائز اهمیت دیگر آن است که تیم مذاکره‌کننده فعلی قانون را قبول دارد و قانون‌گراست و مانند محمدجواد ظریف نیستند که قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران را مزخرف می‌دانست. تیم مذاکره‌کننده فعلی کشور ما قانون را قبول دارند و بر مبنای آن مذاکرات را دنبال می‌کنند».

سبیل تندروها بوده است؛ تا حدی که روزگاری ظریف را تا سرحد خیانت به کشور می‌بردند: نمونه‌اش سریال کاندو بود که رسماً صداوسیما به مدت مدیدی هر شب سریالی را پخش می‌کرد که انواع اتهامات را به تیم مذاکره‌کننده وارد می‌کرد. میزان اتهامات تا حدی بالا رفت که عراقچی نوشت: «برداشت ما این است آنچه تلاش می‌شود در سریال کاندو از وزیر و وزارت امور خارجه نشان داده شود، یک چهره منفعل و بی‌عمل و واداه است». ظریف هم با اشاره به نامه‌ای که به رهبر انقلاب درباره همین سریال نوشته بود، گفت: «رهبری همیشه به من محبت داشتند و من وامدار محبت ایشان هستم، این محبت همچنان ادامه دارد و اگر محبت‌های ایشان نبود، برخی اتفاقاتی که در بعضی جاها می‌افتد،

سیاست

آیا سبیل شدن مسئول سابق پرونده هسته‌ای ارتباطی به مذاکرات اخیر دارد؟

حمله دوباره به ظریف



سبیل، تکلیف می‌دهد

امکان تحمل را از بین می‌برد… در برابر انتقادات بسیار شکبیا هستم و هیچ مشکلی با انتقاد ندارم. انتقاد با تخریب، توهمین و افترا فرق بسیار دارد و امیدوارم این بلیه از جامعه ما برداشته شود و به‌دنبال توهمین و تخریب شخصیت افراد ناباشیم». حملات به ظریف به همین کم سریال محدود نمی‌شد و در مجلس دم جای خوبی برای نمایندگان تندرو چه در مجلس قدم می‌زد، قهرمان ملی ما زمانی ترور شد که آقای ظریف که در فاجعه‌های تحمیلی به جریان مقاومت در غزه و حوادث این‌چنینی یا در سوئیس و یا در لوزان و نیویورک بود و حتی اعلام موضع علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا نکرد». دوگانه‌سازی از ظریف و سردار سلیمانی هم یکی دیگر از حربه‌های رادیکال‌ها بود تا بتوانند با این روش احساسات عمومی را علیه ظریف تحریک کنند؛ درحالی‌که اولاً سردار سلیمانی براساس شواهد و قرائن موجود به‌هیچ‌وجه جناحی رفتار نمی‌کرد و از قضا با محمدجواد ظریف هم ارتباط خوبی داشت و حتی بعد از سفر ناگهانی بشار اسد به تهران که باعث استعفاي ظریف شد، سردار سلیمانی با ظریف تماس گرفته بود و خواستار برگشت او به مسئولیتش شده بود.

در کنار همه اینها شکایت برخی نمایندگان مجلس یازدهم از محمدجواد ظریف هم قابل توجه است؛ به نحوی که چندماه پیش علی‌ خضریان، نماینده عضو جبهه پایداری، در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی خبر از شکایت کمیسیون اصل ۹۰ از ظریف داد و علت شکایت را هم مواردی از جمله بی‌تفاوتی ظریف در جریان مذاکرات به احتمال خروج دولت‌های بعدی آمریکا از برجام، شناخت‌نداشتن از تفاوت و اهمیت تحریم‌ها و غلبت فیم از دوره‌های مختلف تحریمی است، سردت پیرویی اروپا از آمریکا، تسلط‌نداشتن به متن برجام درباره بازگشت‌پذیری تحریم‌ها، تسلط‌داشتن به متن در حوزه رفع تحریم‌ها، تناقض در رعایت خطوط قرمز رهبری و تناقض در مورد اثر تحریم‌ها بر فروش نفت و زمان بازگشت‌پذیری ایران ذکر کرد که البته این شکایت تا اینجای کار به نتیجه‌ای

نرسیده است و به نظر می‌رسید بیشتر نمایشی از سوی برخی نیروهای خاص در مجلس باشد. همه این حملات نیروهای رادیکال به تیم مذاکره‌کننده قبل، از دو جهت حائز اهمیت است؛ نخست آنکه حملات مستمر ایشان در حالی است که نگاه رهبر انقلاب درباره دستگاه دیپلماسی دولت قبل، خاصه محمدجواد ظریف همواره مثبت بوده است؛ برای مثال ایشان در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آبان سال ۹۲ در توصیف تیم مذاکره‌کننده وقت گفته بودند: «هیچ‌کس نباید این مجموعه مذاکره‌کنندگان ما را با مجموعه شامل آمریکا– همان شش دولت، به‌اصطلاح پنج به‌علاوه یک– سازش‌کار بداند، این غلط است؛ اینها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، اینها بچه‌های خودمان هستند، بچه‌های انقلاب‌دانه؛ یک مأموریتی را دارند انجام می‌دهند. کار سختی هم هستن اکا» بر عهده اینهاست؛ دارند با تلاش فراوان آن کاری را که بر عهده آنهاست انجام می‌دهند.

یا آنکه رهبر انقلاب در جای دیگری تیم مذاکره‌کننده را امین، غیور، شجاع و متدین معرفی کرده بودند و در دیدار مسئولان در تیرماه سال ۹۴ گفته بودند: «بنده هیئت مذاکره‌کننده را –همین دوستانی که این مدت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند، هم امین می‌دانم، هم غیور می‌دانم، هم شجاع می‌دانم، هم متدین می‌دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً ادعای می‌کردید…» ایشان در پاسخ به نامه رئیس جمهور هم در دی‌ماه سال ۹۴ فرموده بودند: «خرسندی خود را از اینکه مقاومت ملت بزرگ ایران در برابر تحریم‌های ظالمانه و تلاش دانشمندان هسته‌ای در پیشبرد این صنعت مهم و کوشش سخگنی ناپذیر مذاکره‌کنندگان، سرانجام طرف‌های مقابل را که برخی از آنان به دشمنی با ملت ایران شهرواند، وادار به عقب‌نشینی و رفع بخشی از آن تحریم‌های زورگویانه کرد، ابراز می‌دارم». مقام معظم رهبری درباره شخص ظریف هم اشاره کرده بودند: «آقای دکتر ظریف و همکارانشان آزمون خوبی از سر گذرانند. احساس قدرت و نقشستن در مقابل شش قدرت جهانی، دفاع از اهداف و تثبیت حضور و وجود خود به طرف‌های مقابل، از جمله نقاط قوت مذاکره‌کنندگان کشورمان در مذاکرات هسته‌ای بود. تدین، مه‌یزترین نقطه قوت آقای ظریف است و بنده مکرر برای شما عزیزان دعا می‌کنم». رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان از سال ۹۶ هم ظریف را فردی باوجدان، متدین و دارای احساس مسئولیت معرفی کرده بودند و حتی در دیدار با اعضای هیئت دولت ضمن سخنان خود گفته بودند که «آقای ظریف، دوست عزیز ما، هم اینجا تشریف دارند».

ادامه در صفحه ۳

ادعای برادر قاضی از جزئیات نقش آقای سفیر در پرونده برادرش

۲۰ ماه ابهام در مرگ مشکوک قاضی منصوری

کشور داشت و در نهایت وقتی که متوجه شد سفیر حضور او را در محل سفارت تحمّل نمی‌کند برای او جای تعجب بود که علی‌رغم همه‌های رسانه‌ای که تحت عنوان فرار از کشور علیه او شده چرا حضورش در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در رومانی بعد از دو روز اقامت در آنجا جهت برگشت به ایران اعلام نمی‌شود و وقتی که اصرار قاضی منصوری جهت برگشت به ایران و اعلام حضور او در محل سفارتخانه بیشتر شد، ساعت سه و نیم یامداد جمعه ۲۳ خرداد ۹۹ یکی از کارمندان سفارت جمهوری اسلامی ایران در همان محل سفارت به او اتاقی که او در آنجا اقامت داشت، می‌رود و او را از خواب بیدار می‌کند تا جهت درمان سردردی که آن زمان داشت به درمانگاه ببرند. قاضی منصوری آماده می‌شود و همراه راننده با خودروی سفارت از محل سفارت به مرکز درمانی می‌رود». برادر قاضی منصوری همچنین گفته است: «کارمند سفارت که خود راننده آن شب ماشین مذکور بوده جلوی چند پلیس محلی شهر بخارست می‌رود در ورودی درمانگاه که به انتظار قاضی منصوری بودند، ترمز می‌کند. به محل اینکه قاضی منصوری پیاده می‌شود با اشاره راننده ماشین سفارت، پلیس محلی به سراغ قاضی منصوری می‌رود و می‌گوید شما منصوری هستید. قاضی می‌گوید بله. پلیس محلی بخارست می‌گوید به ما گفته‌اند شما از ایران تحت تعقیب هستید و بازداشت می‌شوید. قاضی منصوری می‌گوید شما مشاهده می‌کنید که من با کارمند و ماشین سفارت جمهوری اسلامی ایران به اینجا آمده‌ام و جهت برگشت به ایران دو روز است در محل سفارت کشورم اقامت دارم. در کمال تعجب می‌شوند که پلیس بخارست اعلام می‌کند خود سفارت شما از ما درخواست کرده است که شما را دستگیر کنیم و الا نه ما شما را می‌شناسیم و نه از غیب خبر داریم که اتهامی متوجه شماست و بعد از تحویل‌گرفتن قاضی منصوری از کارمند سفارت، پلیس محلی بخارست او را به دادستانی آن شهر می‌برد».

او افزود: «دادستان بخارست همان اول به قاضی منصوری می‌گوید شما می‌خواهید بپاهنده شوید؟ قاضی منصوری می‌گوید نه من مجرم نیستم و می‌خواهم به کشورم برگردم و به همین خاطر دو روز است که با هماهنگی سفیر کشورم در محل سفارت اقامت دارم. من قبل از بازنشستن در کشورم قاضی بودم و کسانی که در ایران می‌خواهند قاضی‌ای شوند باید شرایط خاص داشته باشند. دادستان رومانی می‌گوید باید از کشورتان درخصوص اتهام‌تان استعلام کنیم تا اگر واقعا تحت تعقیب هستید رسماً به ما نامه بدهند. قاضی منصوری می‌گوید اگر از کشورم درخصوص من دستوری نیامده چه کسی تقاضای بازداشت من را داده است. دادستان بخارست نامه‌ای به او نشان می‌دهد که حاکی از آن است که با هماهنگی سفارت، توسط کسی که همراه او بوده، نوشته و تحویل دادگاه رومانی شده است. قاضی منصوری می‌گفت کاش موارد درست و راستی نوشته می‌شد بلکه همه دروغ بود. قاضی

روزنه

بررسی غیرعلنی بودجه بدون رئیسی

● **ریحانه نعمت‌اللهی:** بررسی ابعاد لایحه بودجه در جلسه غیرعلنی بدون حضور رئیسی! این خبری است که رسانه‌ها داده‌اند. آذرماه امسال بود که ابراهیم رئیسی با حضور در مجلس، لایحه بودجه ۱۴۰۱ را به رئیس مجلس تقدیم و دفاعیات خود را بیان کرد. در این لایحه موارد چشمگیری مانند مجوز فروش نفت به ارگان‌های گوناگون به چشم می‌خورد اما نوک پیکان نقد و مخالفت نمایندگان به سوی لایحه «حذف ارز ترجیحی» بود. این لایحه که از ابتدای آغاز به کار دولت سیزدهم حاشیه‌ساز شده بود، حالا به نقطه اختلافی جدی میان مجلس و دولت تبدیل شده است. زمانی که ابراهیم رئیسی پس از توضیه و تأکید رهبری لایحه حذف ارز ترجیحی را با دوفوریت به مجلس تقدیم کرد و مجلس آن را دوفوریت درآورد، اعتراض رئیسی به مجلس بالاگرفت. دی‌ماه امسال بود که رئیسی عنوان کرد: «موضوع حذف ارز ترجیحی را در دولت مطرح کردیم و به‌عنوان لایحه دوفوریتی در دولت تصویب شد اما مجلس و نمایندگان محترم رای به فوریت ندادند و تبدیل به لایحه عادی شد. مجلس نه رای به ادامه ارز ترجیحی داد و نه به جبران حذف ارز ترجیحی، برای هیچ‌کدام اعلام نظر نکرد و فوریت لایحه را هم رد کردند». از سوی دیگر بسیاری از نمایندگان حذف ناگهانی ارز ترجیحی را باعث آسیب جدی به معیشت مردم می‌دانستند. تا جایی که طبق گزارش دیده‌بان ایران، نماینده شش‌راز خطاب به دولت عنوان کرد: «اینکه دولت می‌گوید حذف ارز ترجیحی را جبران نمی‌کنیم، حرف مفت است». اصرار و تلاش‌های دولت برای تصویب لایحه حذف ارز ترجیحی پس از انتقادات نمایندگان به در بسته خورد و سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۱ این لایحه را به دلیل روشن‌نبودن و عدم ارائه طرح قابل استناد رد کرد. این طرح که به گفته حمیدرضا حاجی‌بابایی، رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه، در صورت تصویب‌شدن «حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان از منابع دولت را کاهش خواهد داد» با اختصاص داده‌شدن ۹۰ میلیارد دلار با قیمت ارز ترجیحی برای تأمین دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای اساسی» از لایح قابل بررسی مجلس خارج شد؛ اما کسری بودجه و احتمال بالای به‌وجودآمدن تورم در سال آینده همچنان معضلی است که دولت و مجلس را به چالش کشانده است. مهرماه امسال بود که جلسه‌ای بین نمایندگان و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه در صحن غیرعلنی مجلس برگزار شد. توضیحی درباره این جلسه و علت غیرعلنی بودن آن ارائه نشد اما به گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، طبق تحلیل‌های کارشناسان، علت برگزاری این نشست پشت درهای بسته، کمبود بودجه در سال آتی بوده است. افزون بر این، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه و محاسبات مجلس هم اعلام کرده بود که «برآورد ما این است که امسال بیش از ۵۰ درصد کسری بودجه داشته باشیم. دولت حتماً باید برای در پرداخت‌ها لایحه یابورد تعدیل کند و همچنین راهکارهای جدیدی که می‌توان این کسری‌ها را جبران کرد و سازوکار جدید پیشنهاد دهد». علاوه بر تمام این اختلافات در بحث بودجه، برخی از وزرای دولت سیزدهم مانند وزیر بهداشت، وزیر کار و رفاه و وزیر اقتصاد در خطر استیضاح قرار گرفتند و دولت سیزدهم بابت انتخابات کابینه، مورد انتقاد بهارستانی‌ها قرار گرفت. نماینده خواف در انتقاد از وزیر کار عنوان کرد: «وزیری که نتواند رفاه ایجاد کند و کشور را به یکی از بی‌کارتترین کشورهای دنیا بدل کند، کجا می‌خواهد اینها نقش‌آیند؟». محمدرضا بادمچی، نماینده پیشین مجلس نیز در انتقاد از وضعیت وزارت کار گفت: «بسیار مضحک در بهمن‌ماه سال ۹۸ به بهانه بستری کوتاه‌مدت تا زمان مساعدشدن حالش او را به رومانی کشانده بودند».

برادر منصوری در بخش دیگری از صحبت‌هایش به درخواست اولیای دم قاضی از حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا، اشاره کرد و خطاب به او گفت: «بیتا سناریویی که قاضی منصوری بازگو می‌کرد در حال اجراست. ایشان در این پرونده تنها کسی هستند که قربانی شده‌اند و تهدید و بازخواست‌ها به نزدیکان او رسیده است. آیا نمی‌خواهید از آنها جلوگیری کنید یا حداقل بررسی کنید. گردانندگان این سناریو چه کسانی هستند؟ در داخل کشورند یا در خارج کشور هستند؟ حتی نظریه رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی مجلس که به واقعیت نزدیک بود نیز بررسی نشد. آقای محسنی‌اژه‌ای بیش از ۲۰ ماه از قتل ناجوانمردانه قاضی منصوری گذشته است تاکنون عکس و فیلمی از آن جنایت و حادثه ناگوار به دست برادر و خواهرانش به عنوان اولیای دم نرسیده است. بازپرس وقت جنایی می‌گفت من نمی‌توانم فقط با یک ترجمه گزارش به پرونده رسیدگی کنم مگر اینکه مدارک و مستندات به دستم برسد. حتی پیشنهاد داد تا خودمان به عنوان خانواده آن مرحوم همراه وکیل و مترجم جهت بررسی به کشور رومانی برویم که متأسفانه نگذاشتند». برادر منصوری در پایان از رئیس قوه قضائیه خواست: «آقای اژه‌ای در پرونده جنایت عمدی علیه قاضی منصوری به عنوان اولیای دم پیگیر قتل ایشان در کجا قرار داریم؟ چرا وقت ملاقات با شما را نمی‌دهند که مستندات موجود کمک‌کننده به روشن‌شدن بعضی از زوایای پنهان قتل قاضی منصوری را تحویل شما به عنوان قضای القضات بدهیم. هیچ دادگاه رسیدگی‌کننده به قتل و اتهامات منتسب به ایشان ما را در جریان‌ات مربوط به قتل قرار نداده بلکه اصلاً خبر نداریم چطور برگزار شده و چه کسی از طرف ما مدعی بوده؟ فقط هزارچندگاهی تهدیداتی به‌صورت مختلف علیه ما می‌شود که در جلوگیری از آنها اقدامی صورت نمی‌گیرد».

اینکه خانواده قاضی منصوری به دنبال عدالت هستند حقی است که نیازمند رسیدگی است، هرچند شاید اگر به پرونده مرگ او رسیدگی شود، پرده از جنبه‌های پنهان پرونده فساد او هم برداشته شود.